

# نوبنیاد

روزنامه سراسری  
صبح ایران

## فرمان مبارزه «اثرگذار» با فساد

در دیدار رئیس قوه قضاییه با حضرت آیت الله سیدمجتبی خامنه ای، رهبر معظم انقلاب بر افزایش سرمایه اجتماعی نظام از طریق گسترش عدالت و تأمین حقوق عامه و مبارزه اثرگذار با فساد و گلوگاه های آن، رسیدگی سریع و توأم با دقت و قاطعیت و اجرای به موقع و بازدارنده احکام، تحول همه جانبه و ملموس در دستگاه قضایی، استفاده حداکثری از فناوری های نوین در مسائل مهم، به ویژه نظارت بر حسن اجرای قوانین و انجام بازرسی های مستمر و یاری رسان به مدیریت سازمان ها و نهادها، رسیدگی به ترک فعل های منتهی به جرم، تلاش و برنامه ریزی در جهت مبارزه قاطع با جرم و جنایت و از بین بردن زمینه های تخلف با همکاری دستگاه های مسئول و جدید در استیفای حقوق و خسارات مادی و معنوی ناشی از جنایات مجرمان آمریکایی- صهیونی تأکید شد.



۳

# نفت ۱۲۰ دلاری با راهبرد علی الاصول

هم زمان با تشدید تنش ها در خاورمیانه، افزایش خطر اختلال در مسیرهای انتقال انرژی، به ویژه تنگه هرمز و جهش هزینه حمل و نقل دریایی، مؤسسات بین المللی از تداوم ریسک صعودی بازار نفت خبر می دهند



۵



خزعلی معاون رئیس دولت سیزدهم؛

## دو وزیر دولت سیزدهم حتی ترک فعل هم نداشتند

۲

با هریبانه ای به تفرقه دامن می زنند

## حمله به وحدت با اسم رمز «حفظ انسجام»

۳



## مخاطبان «علی الاصول»، صلاحیت «تدریس وحدت» را ندارند

مجتبی فاتیح نیا  
روزنامه نگار

این روزها «وحدت» مبدل شده است به چوب دستی برخی جریان های سیاسی که بواسطه آن برای مقاصد سیاسی و جناحی، به تخریب دیگران مشغول اند. بهانه این عده آن است که چرا در دوره جنگ، منتقد «تفاهم اسلام آباد» بودید؟ و یا چرا هم نوا با رسانه های آمریکایی می گفتید که نفت دارد از جنوب تنگه هرمز عبور می کند؟ آنها در حالی که همچنان توافق اسلام آباد را بزرگ ترین دستاورد سیاسی سال های اخیر کشور می شمارند که رهبر انقلاب صریحاً، پشت بلندگو و از تریبون های رسمی، به گوش همگان رسانند که «بنده علی الاصول نظر دیگری داشتم»...

متن کامل در صفحه ۳

صفحه ۱۱

سیاست خارجی



صفحه ۱۴

اقتصادی



## تروئیکای اخراجی اروپا؛ پشت درهای تهران

وزیر خارجه آلمان از آمادگی برلین، پاریس و لندن برای آغاز مذاکرات هسته ای با ایران خبر داد؛ پیشنهادی که پس از مکانیسم ماشه، بیش از آنکه نشانه یک ابتکار دیپلماتیک باشد، تلاش تروئیکای اخراجی برای بازگشت به میزی است که خود اروپایی ها آن را واژگون کردند.

## اما و اگرها پس از دو سال از وعده «اقتصاد عدالت محور»

از رشد اقتصادی و تأمین مالی تولید گرفته تا اصلاح نظام مالیاتی و استفاده از ظرفیت کشورهای همسو. پرسش اصلی این است که چرا برنامه مدنی زاده که با عنوان «رشد عدالت محور» ارائه شد، هنوز نشانه های روشنی از تحقق اهداف خود در اقتصاد کشور ندارد؟

## خبر کوتاه

## مخبر: جنگ روانی ترامپ و نتانیاها بوی استیصال می‌دهد

جنگ روانی و تهدیدهای ترامپ و نتانیاها بیش از قدرت، بوی استیصال می‌دهد. ایران نقاط ضعف دشمن را می‌شناسد و غافلگیری‌های میدانی و اهرم نفت و انرژی می‌تواند معادلات را برهم بزند. در این منطقه ملتی می‌ماند که هزاران سال در آن سکونت داشته و رژیم صهیونی صرفاً می‌تواند روی «نبودن» خود فکر کند.

## سرلشکر عبداللهی: اجازه ورود شناورهای آمریکا به خلیج فارس را نمی‌دهیم

سرلشکر علی عبداللهی فرمانده قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیا(ص) با اشاره به شکست‌های پی‌درپی ارتش تروریستی آمریکا در غرب آسیا گفت: رئیس‌جمهور آمریکا در خواب ببیند که نظامیان و ارتش آنها بار دیگر وارد خلیج فارس شوند، آنها این آرزو را برای همیشه به گور خواهند برد. سرلشکر عبداللهی تأکید کرد: ما در هیچ شرایطی و در هیچ زمانی اجازه نخواهیم داد شناورهای نظامی آمریکا وارد خلیج فارس بشوند. ترامپ بارها ادعا کرده است که تأسیسات هسته‌ای ایران را نابود کرده‌اند، اما همزمان و مکرراً اظهار می‌دارند که ایران نباید سلاح هسته‌ای داشته باشد و این تناقض‌گویی آشکار پایانی ندارد.

## جبهه پایداری خواستار خروج ایران از ان پی تی شد

روز گذشته جبهه پایداری انقلاب اسلامی طی بیانیه‌ای خواستار هرچه سریع‌تر خروج ایران از ان پی تی شد. در این بیانیه آمده است: «از آنجایی که امنیت، اقتدار و عزت ملت مقاوم ایران خط قرمز غیرقابل معامله نظام جمهوری اسلامی است، از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی و اعضای محترم شورای عالی امنیت ملی کشور انتظار می‌رود که روند قانونی و اجرایی خروج کامل جمهوری اسلامی ایران از پیمان NPT و توقف کلیه همکاری‌های فراییمانی را به همراه بازآرایی در دکترین دفاعی و نظامی ایران، در سریع‌ترین زمان ممکن به جریان اندازند.»

## انهدام تیم جاسوسی در غرب کشور توسط سپاه

روز گذشته، سربازان گمنام امام زمان (عج) در قرارگاه منطقه‌ای نجف اشرف و تیپ تکاور انصارالرسول (ص) نیروی زمینی سپاه، یک تیم ۲ نفره وابسته به سرویس‌های جاسوسی بیگانه طی یک عملیات دقیق اطلاعاتی شناسایی و پیش از انجام هرگونه تحرک دستگیر شدند. رزمندگان سپاه پاسداران با رصد مستمر و اشراف کامل بر تحرکات مرزی و منطقه‌ای، موفق شدند در این عملیات مقتدرانه ۱۰ دستگاه اینترنت ماهواره‌ای استارلینک، ۱۰ قبضه سلاح کلاشینکف و ۵ هزار عدد فشنگ جنگی (کلاشینکف و ژ۳) را از این تیم کشف و ضبط کنند. سربازان گمنام امام زمان (عج) در قرارگاه نجف اشرف و تیپ تکاور انصارالرسول (ص) تأکید کردند امنیت خط قرمز نیروهای مسلح بوده و اجازه کوچک‌ترین اقدام ضدامنیتی به معاندان داده نخواهد شد.

## زاکانی: در حوزه نظامی دستمان پر است

شهردار تهران گفت: ایران در حوزه نظامی از توانمندی‌های قابل توجهی برخوردار است. وی افزود: با توجه به دستاوردهای اخیر نظامی، طرف مقابل نمی‌تواند اراده خود را به ما تحمیل کند. در برابر هر ضربه‌ای که وارد کنند، ضربه محکم‌تری دریافت خواهند کرد. امروز این موضوع برای آن‌ها مشخص شده است.

## دو وزیر دولت سیزدهم حتی ترک فعل هم نداشتند

که در این ماجرا و در محکومیت دو وزیر دولت سیزدهم رخ داد، هنوز هم با اتهاماتی مواجه است که حل نشده باقی مانده است. این در حالی است که مروری بر سوابق دولت‌های اصلاح طلب حاکی از وجود پرونده‌هایی است که به مراتب سنگین‌تر و هواناک‌تر از اتهام ترک فعل در چای دیش است

ماجرای چای دیش و اتهامات وارده به دو وزیر دولت سیزدهم، یکی از محدود موضوعاتی بود که در حافظه تاریخی سیاست ایران ماندگار شد. ماجرا و اتهاماتی که همزمان با حرکت‌های تحولی در دولت سیزدهم بویژه در وزارت صمت شروع شده بود و اقدامات اساسی در حال شکل گرفتن بود. با این حال آنچه



است. اول اینکه در آن ایام ۸ شرکت ثبت سفارش ماشین آلات داشته‌اند نه یک شرکت و مجموع آن ۸ شرکت ۱.۱ میلیارد دلار شده است. وزارت صمت هم نمی‌دانسته که پشت پرده این ۸ شرکت، یک شرکت است. هم «نمی‌دانسته» یک شرکت است. هم «نمی‌توانسته» تشخیص بدهد. طبق قانون هم چنین وظیفه‌ای ندارد که بررسی کند. علاوه بر این نیز، وزارت اطلاعات پس از چندین ماه کار اطلاعاتی متوجه شده بود که پشت پرده این ۸ شرکت، یک شرکت بوده است. لذا قصوری در این زمینه توسط وزارت صمت رخ نداده بود. همچنین گفتنی است که ثبت سفارش صورت گرفته مطابق با پروانه بهره‌برداری بوده و چنانچه وزیر صمت جلوی ثبت سفارش را می‌گرفت، طبق قانون علیه او اعلام جرم می‌شد. براساس «مصوبه هیأت وزیران» در سال ۱۳۹۴ مسئولیت صدور جواز تأسیس و پروانه بهره‌برداری به استان‌ها واگذار شده است. مضاف بر این نیز، بررسی و تأیید درخواست ثبت سفارش هم طبق «دستورالعمل بررسی درخواست‌های ثبت سفارش» در سال ۱۳۹۷ مجدداً استان‌ها واگذار شده بود و این درحالی است که فاطمی امین در شهریور ۱۴۰۰ وزیر صمت شده بود!

ناگفته نماند که موارد متعددی از تخلفات آشکار در دولت‌های اصلاح طلب وجود دارد که به مراتب سنگین‌تر از اتهام ترک فعل دو وزیر دولت سیزدهم بود. از جمله سالیانه کلی عدم رفع تعهدات ارزی که سالیانه رخ می‌دهد، ماجرای ظرفیت در برجام، توقف مسکن مهر توسط آخوندی، زنگنه در ماجرای کرسنت، در قضیه بورس و خاکستر شدن پول مردم، در دولت روحانی که مردم را دعوت به بورس کرد، در ماجرای آبان ۹۸.. در ماجرای عدم واردات واکسن کرونا از چین که باعث کشته شدن مردم شد.

محاکمه قرار گرفتند؟ تصریح کرد: «چرا وزیری که اصلاً از موضوع مطلع نبوده، باید متهم شود؟»

## ماجرای داشبوردی که وجود نداشت!

معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده در بخشی دیگر از سخنانش با اشاره به نقل قولی از وزیر سابق کشاورزی دولت شهید رئیسی اظهار کرد: «وزیر کشاورزی می‌گفت به ما گفته‌اند این موضوع در داشبورد قابل مشاهده بوده و ایشان در داشبورد آن را ندیده و مرتکب ترک فعل شده است. درحالی که خود ایشان می‌گفت اصلاً چنین داشبوردی در وزارت کشاورزی وجود ندارد»

خزعلی تأکید کرد: «من یک روز با وزیر جدید تماس گرفتم و گفتم بروید و اطلاعات را از داشبوردتان در اختیار من قرار دهید. ایشان گفتند چنین داشبوردی وجود ندارد. گفتم همین موضوع را مکتوب کنید و به قوه قضائیه بدهید که اصلاً داشبوردی وجود ندارد.»

خزعلی در ادامه با تأکید بر این نکته که منشأ اصلی فساد، همان فرد حقیقی است که الان در زندان به سر می‌برد. افزود: «در طول چهل و چند سال گذشته، چند وزیر با چنین وضعیتی مواجه شده‌اند؟ از طرف دیگر، ببینید این وزیر بارز ترجیحی و حذف آن چگونه برخورد کرد تا اتفاقی شبیه ماجرای آبان بنزینی رخ ندهد. وزیر اطلاعات و وزیر کشور هم می‌گفتند اگر تدبیر وزیر کشاورزی و اقداماتی که انجام داد، نبود و آن مدیریت خاص را به کار نمی‌گرفت، ممکن بود شرایطی شبیه ماجرای بنزین پیش بیاید، خب، چرا از این اقدامات قذر دانی نمی‌کنید؟»

قابل ذکر است که علاوه بر توضیحات معاون امور زنان دولت سیزدهم پیرامون پرونده دیش، چند نکته دیگر قابل توجه

جعفر کاظمی

روزنامه نگار

## مصادیقی دیگر از ترک فعل‌های دولت چهاردهم

انسپه خزعلی، معاون شهید رئیسی مصادیقی از ترک فعل‌های دولت چهاردهم بیان کرد و گفت: «در معاونتی که حضور داشتم و کارهای مثبتی که در آنجا انجام دادیم، کارهایی که هزینه‌های دولتی برای آن صرف شده است. بویژه ایجاد پلتفرم‌هایی از جمله طرح‌هایی مانند «زیست عفیفانه» و «زندگی و بالندگی» متوقف شده‌اند.» وی همچنین افزود: «طرحی که برای پیشگیری از طلاق ارائه دادیم نیز همین وضعیت را دارد. قرار بود این طرح ابتدا در دو استان اجرا شود و سپس به همه استان‌ها گسترش پیدا کند. فقط برای گرفتن مصوبه آن، یک سال و خردی تلاش کردیم. اینکه طرح در پلتفرم وزارت کشور قرار بگیرد و به چند وزارتخانه ابلاغ شود تا دستگاه‌های مختلف، ارتباطات گرفته تا وزارت رفاه و وزارت کشور، پای کار بیایند، کار ساده‌ای نبود و هماهنگی زیادی می‌خواست» خزعلی تصریح کرد: «وقتی چنین طرحی را متوقف می‌کنید، در واقع بخشی از سرمایه دولت را دور ریخته‌اید.»

## فرمان مبارزه‌اثرگذار با فساد به رئیس دستگاه قضا

گفت‌وگو کرد.

در این دیدار بر افزایش سرمایه اجتماعی نظام از طریق گسترش عدالت و تأمین حقوق عامه و مبارزه اثرگذار با فساد و گلوگاه‌های آن، رسیدگی سریع و توأم با دقت و قاطعیت و اجرای به‌موقع و بازدارنده احکام، تحول همه‌جانبه و ملموس در دستگاه قضایی، استفاده حداکثری از فناوری‌های نوین در مسائل مهم، به‌ویژه نظارت بر حسن اجرای قوانین و انجام بازرسی‌های مستمر و یاری‌رسان به مدیریت سازمان‌ها و نهادها، رسیدگی به ترک فعل‌های منتهی به جرم، تلاش و برنامه‌ریزی



حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قضاییه با حضرت آیت‌الله‌سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، دیدار و

یک جریان سیاسی مدعی وحدت با بی‌توجهی به منویات صریح رهبر معظم انقلاب، با هر بهانه‌ای به تفرقه دامن می‌زنند

## حمله به وحدت با اسم رمز «حفظ انسجام»

در شرایطی که شرایط امروز کشور، وحدت و انسجام حداکثری آزاد مردم و مسئولان را می‌طلبد، یک جریان سیاسی بی‌توجه به شرایط خطیر کشور، مدام به تفرقه‌افکنی و ایجاد اختلاف در میان ارکان مدیریتی کشور دامن زده و در عین حال منتقدان خود را نیز به وحدت‌شکنی متهم می‌کند. تناقضی آشکار که هم خواستار هرگونه انتقاد از جریان خود و عملکردشان است و هم بی‌پروا از تأکیدات مکرر رهبری درباره مقوله وحدت، اختلافات موجه و ناموجه خود با دیگران را دستمایه تفرقه قرار می‌دهد.

جعفر کاظمی

روزنامه‌نگار

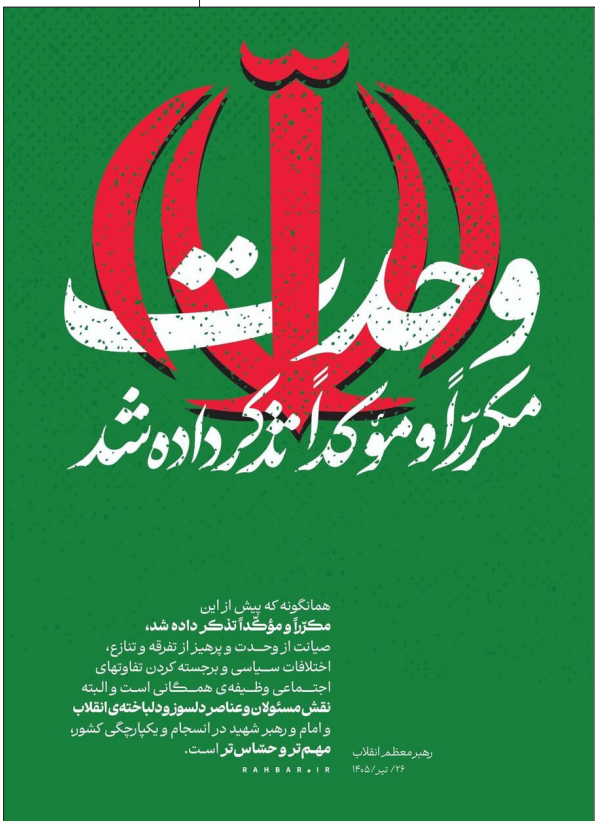
رهبر معظم انقلاب تیرماه گذشته در پیام‌شان درباره‌ی حماسه عظیم بدرقه آقای شهید ایران و تبیین مسائل مهم کشور تأکید داشتند: لازم است به شما مردم باوفا و سرافراز ایران عرض شود که از جمله اصولی‌ترین امور در این برهه، اصرار بر وحدت کلمه و اتحاد مقدس در همه‌ی سطوح مردم و مسئولان و در تمام عرصه‌ها برای تحقق آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی و تأمین عزت و استقلال ایران عزیز خصوصاً در برابر دشمن جنایتکار و حيله‌گر آمریکایی است. در این پیام همچنین تأکید شده بود: همانگونه که پیش از این مکرراً و مؤگداً تذکر داده شد، صیانت از وحدت و پرهیز از تفرقه و تنازع، اختلافات سیاسی و برجسته کردن تفاوت‌های اجتماعی وظیفه‌ی همگانی است و البته نقش مسئولان و عناصر دلسوز و دلباخته‌ی انقلاب و امام و رهبر شهید در انسجام و یکپارچگی کشور، مهم‌تر و حساس‌تر است.

علیرغم این تأکید صریح رهبر انقلاب، یک جریان سیاسی که در ماجرای مذاکرات اسلام‌آباد نیز حضور داشت و هرگونه انتقاد از روند این تفاهم خسارت‌بار را با برچسب وحدت‌شکنی تخطئه می‌کرد، این روزها در هجمه علیه مدیریت سازمان صداوسیما به‌عنوان یکی از منصوبان رهبری، از هیچ ابزاری فروگذار نکرده و شاهد هستیم

که یکی از بزرگترین کمپین‌های تخریبی علیه صداوسیما با محوریت همین جریان سیاسی در حال فعالیت و سنگ‌اندازی است. در همین راستا و در ادامه کمپین سیاسی تخریب صداوسیما، یکی از نمایندگان نزدیک به رئیس مجلس صرفاً بر اساس گمانه‌زنی‌های رسانه‌ای و بدون هیچ استناد خبری، مدعی تذکر رهبر انقلاب به مدیریت صداوسیما به‌خاطر عدم بازنمایی تنوع اجتماعی تجمعات شبانه شد. موضعی که واکنش برانگیز شد و از جمله مرتضی محمودی نماینده مردم تهران در مجلس در اینباره نوشت: ایجاد بی‌اعتمادی به رسانه ملی و لجن‌پراکنی بر علیه رئیس صداوسیما بدون اطمینان قطعی از خبری که بر فقط بر اساس براساس گمانه‌زنی منتشر شده است!

همین رویکرد وحدت‌شکانه در موضوع محکومیت و اجرای حکم حجت‌الاسلام حمید رسایی با شکایت رئیس مجلس نیز تکرار شده بود. در حالی که در تمامی ادوار مجالس پس از انقلاب، روسای مجلس پیگیر آزادی و یارفع محدودیت برخی نمایندگان بودند، این بار یک نماینده در دوره نمایندگی‌اش با شکایت رئیس مجلس به زندان معرفی شد و در عین حال اطرافیان رئیس مجلس، سرخوش از اتفاق پیش آمده، فضای سیاسی کشور را متشنج کردند. تا جایی که میثم ظهوریان نماینده مردم مشهد در مجلس نوشت: تاسف‌بارترین بخش موضوع زندانی

در جهت مبارزه قاطع با جرم و جنایت و از بین بردن زمینه‌های تخلف با همکاری دستگاه‌های مسئول و جدیت در استیفای حقوق و خسارات مادی و معنوی ناشی از جنایات مجرمان آمریکایی-صهیونی تأکید شد. در ابتدای این دیدار، آقای محسنی اژه‌ای گزارشی از برنامه‌های دوره جدید قوه قضاییه، از جمله به‌روزرسانی سند تحول قضایی و شتاب‌بخشی به هوشمندسازی امور با هدف صرفه‌جویی در زمان رسیدگی، کاهش هزینه‌ها، اتقان احکام و ارتقای سلامت کارکنان قوه قضاییه ارائه کرد.



همانگونه که پیش از این مکرراً و مؤگداً تذکر داده شد، صیانت از وحدت و پرهیز از تفرقه و تنازع، اختلافات سیاسی و برجسته کردن تفاوت‌های اجتماعی وظیفه‌ی همگانی است و البته نقش مسئولان و عناصر دلسوز و دلباخته‌ی انقلاب و امام و رهبر شهید در انسجام و یکپارچگی کشور، مهم‌تر و حساس‌تر است.

رهبر معظم انقلاب

۱۳/ تیر/ ۱۴۰۵

کردن یکی از نمایندگان مجلس، رفتار برخی اطرافیان رئیس محترم مجلس است. برخی از ایشان به شکلی ابراز شغف می‌نمایند که گویا مهمترین پروژه سیاسی عمر خود را به نتیجه رسانده‌اند و متوجه نیستند که زیان اصلی آنچه اتفاق افتاده، به اعتبار چه کسی وارد می‌شود.

### وحدت‌شکنی برای مذاکرات

رویکرد جریان مدعی وحدت در ایام مذاکرات اسلام‌آباد و پس از آن نیز طبق قاعده منع رطب توسط رطب خورده بود.

این جریان بدون توجه به هشدارها و اذارهای صریح رهبر انقلاب نسبت به روند مذاکرات، هرگونه انتقاد حتی از جانب مردم مبعوث حاضر در تجمعات شبانه را تخطئه و منتقدان را به وحدت‌شکنی متهم کرد. در حالی که در نهایت و با پیام صریح رهبر انقلاب و نظر ایشان مبنی بر اینکه بنده علی‌الاصول، نظر دیگری داشتم مشخص شد حق با منتقدان مذاکره و تفاهم‌نامه بود.

### یادداشت

## مخاطبان «علی‌الاصول»، صلاحیت «تدریس وحدت» را ندارند

مجتبی فاتحی‌نیا  
روزنامه‌نگار

این روزها «وحدت» مبدل شده است به چوب دستی برخی جریان‌های سیاسی که بواسطه آن برای مقاصد سیاسی و جناحی، به تخریب دیگران مشغول‌اند. بهانه این عده آن است که چرا در دوره جنگ، منتقد «تفاهم اسلام‌آباد» بودید؟ و یا چرا نوا با رسانه‌های آمریکایی می‌گفتید که نفت دارد از جنوب تنگه هرمز عبور می‌کند؟ آنها در حالی که همچنان توافق اسلام‌آباد را بزرگ‌ترین دستاورد سیاسی سال‌های اخیر کشور می‌شمارند که رهبر انقلاب صریحاً، پشت بلندگو و از تریبون‌های رسمی، به گوش همگان رساندند که «بنده علی‌الاصول نظر دیگری داشتم» و شاید همین مهمترین علت مخالفت جماعتی بود که امروز متهم به خدشه دار کردن وحدت شده‌اند.

امادر عین حال و همزمان با این مطالبه «وحدت»، همین جماعت پروژه‌ای همه‌جانبه و پرفشار برای تغییر رئیس صداوسیما آنهم در هنگامه جنگ وجودی با امریکا شکل گرفته داده‌اند. البته که می‌توان به برخی اقدامات صداوسیما هم انتقاداتی داشت، اما رویکرد این عده دقیقاً برخلاف تجویزات خودشان بود؛ چرا که صداوسیمایی که در جنگ درخشید، در دوره خلاء رهبری بسیج عمومی را در دست گرفت و به درستی به نقد تفاهم آتش‌بس مطابق نظر رهبری پرداخت، حالا به هزار و یک بهانه در اثنای جنگ - دقیقاً برخلاف توصیه‌ها و استانداردهای همان عده- آماج انتقام ناکامی‌های سیاسی قرار گرفته است. مغالطه مهمی که مطرح می‌شود آن است که نقد عملکرد سیاسی روسای قوا و مواضع آن‌ها منافی وحدت با سه نهاد کشور است؛ در این میان، نقد عملکرد رئیس تیم مذاکره‌کننده کشور در پاکستان، گناه بزرگ‌تری محسوب می‌شود و اگر کسی ناقد شد، برخلاف توصیه‌های رهبر انقلاب پیرامون مسئله وحدت و انسجام ملی عمل کرده است. این سخنان درحالی از طرف این عده تئوریزه می‌شود که اولاً بزرگ‌ترین جمع منتقد رئیس مجلس، نمایندگان همین نهاد هستند که ماه‌هاست نسبت به انجام مهم‌ترین وظایف خود مطالبه دارند و ثانیاً تفاوت نتیجه عمل تیم مذاکره‌کننده با نظر رهبری، حجت را برای همه روشن کرده است.

کما اینکه در دهه نود هم، بزرگ‌ترین ناقد برجام، رهبر شهید انقلاب بود و با عباراتی چون «خسارت محض»، نسبت به خطای راهبردی مسئولین ارشد دولت هشدار داده و برای حفظ منافع ملی با «رویکردهای غلط» مرزبندی کردند. آری، وحدت با سه قوه و حفظ انسجام ملی، هم نباید دستاویزی برای تخریب اشخاص شود و هم نباید دستاویزی برای ساکت کردن منتقدان آن اشخاص گردد.

برای ملت مبعوث شده روشن است که هیچ وحدت بی‌اصولی به منافع ایران نمی‌انجامد؛ کما اینکه با گذشت چندین هفته از توافق نافرجام اسلام‌آباد، مشخص شد که انتقادات نسبت به این توافق درست بود، دشمن فریبکار و ادعای «موفقیت بزرگ سیاسی» برای آن، ادعایی گزاف است. نسبت به مسیر جنوبی تنگه هرمز هم هشدارها واقعی و درست بود و طی دو هفته اخیر، آسب به کشتی‌های غیرمجاز، مواضع روشن فرماندهان نسبت به پایان مدارا و رسیدن نفت به مرز ۱۲۰ دلار مؤید آن است. درست همان‌جا که برخی در ساختار سیاسی، دیپلماسی بی‌ثمر و تضعیف اهرم فشار نیروهای مسلح بردشمن را دنبال می‌کردند، همان افراد، کسانی را که صادقانه برای حفظ منافع ملی می‌کوشیدند را به واسطه همین جماعت و با اسم رمز «وحدت‌شکن»، تخطئه می‌کردند. بنابراین، آن‌ها که خود مخاطب فرقان مقدس «علی‌الاصول» بودند و بدون توبه از خطای راهبردی اسلام‌آباد، دم از بازگشت به آن می‌زدند، نمی‌توانند برای دیگران کلاس «وحدت از نگاه رهبری» را تدریس کنند. اساساً وحدت، درس نیست که کسی تدریسش کند بلکه عاملی است که باید با آن کشور رانجات داد، نه جناح و باند خود را. حالا انتقادات بجای ملت مبعوث شده نسبت به برخی کنش‌های سیاسی با چرخیدن معنادار فرمان جنگی کشور- حداقل در قبال دشمنی‌های آشکار - همراه شده و به همین خاطر است که به این روزها اعترافات مکرون و کلینتون و... درباره تبعات تحمیل جنگ به ایران به وضوح شنیده می‌شود. بنابراین، در زمانه‌ای است که مردم ایران بیش از همیشه پشیمان ولی فقیه هستند، نباید از صف آن‌ها جا ماند.

## بلا تکلیفی قیمت خرید گندم در آستانه فصل کشت



در حالی که کشت پاییزه گندم در مناطق مختلف کشور ادامه دارد و فصل کشت در مناطق سردسیر به پایان نزدیک می‌شود، هنوز قیمت خرید تضمینی گندم برای سال زراعی جدید اعلام نشده است. بنیاد ملی گندمکاران قیمت پیشنهادی خود را ۸۵ هزار تومان به‌ازای هر کیلوگرم اعلام کرده است اما به گفته عطاهاشمی، رئیس بنیاد ملی گندم کاران، نمایندگان سازمان برنامه و بودجه و وزارت امور اقتصادی و دارایی بر نرخ ۶۰ هزار تومانی اصرار دارند. هاشمی، با اشاره به ادامه کشت پاییزه گندم در مناطق مختلف کشور گفت: امیدواریم قیمت‌گذاری مناسب این محصول راهبردی در سال زراعی جدید، انگیزه کشاورزان برای تولید را افزایش دهد. به گفته او، نرخ پیشنهادی بنیاد برای هر کیلوگرم گندم ۸۵ هزار تومان است که با در نظر گرفتن عواملی مانند هزینه‌های تولید تعیین شده و در جلسات

روشن شدن وضعیت مطالبات کشاورزان، برای برنامه‌ریزی کشت و حفظ تولید داخلی اهمیت دارد. از سوی دیگر، رئیس بنیاد ملی گندم کاران اعلام کرد که هنوز نزدیک به ۳۰ هزار میلیارد تومان از مطالبات گندم کاران سال زراعی گذشته پرداخت نشده و گفت: این مبلغ طبق وعده وزیر جهاد کشاورزی و دیگر مدیران ذی‌ربط تا هفته آینده تسویه شود. با این حال، درباره میزان مطالبات باقی‌مانده اختلاف نظر وجود دارد. حسن نوروزی، رئیس سازمان هدمندسازی یارانه‌ها، اعلام کرد که کل مبلغ خرید تضمینی گندم، بر مبنای نرخ ۴۸ هزار و ۵۰۰ تومان به‌ازای هر کیلوگرم، پرداخت شده و باقی‌ماندن بخشی از مطالبات به اختلاف در اطلاعات ثبت شده در سامانه وزارت جهاد کشاورزی مربوط است. به گفته او، با اصلاح سامانه و تطبیق محاسبات، مانده مطالبات نیز قابل پرداخت خواهد بود.

نوبنیاد کارنامه وزیر اقتصاد را با گذشت ۱۶ ماه بررسی کرد؛

## اما واگرها پس از دوسال از وعده «اقتصاد عدالت محور»

سیدعلی مدنی‌زاده در ۲۶ خرداد ۱۴۰۴، در میانه جنگ ۱۲ روزه، با رأی اعتماد مجلس سکان وزارت امور اقتصادی و دارایی را در دست گرفت. او با وعده تحقق رشد اقتصادی، گسترش عدالت و تقویت دیپلماسی اقتصادی راهی وزارت اقتصاد شد؛ وعده‌هایی که قرار بود مسیر اقتصاد کشور را تغییر دهد و توان آن را برای مقابله با فشارهای خارجی افزایش دهد. حالا با گذشت حدود ۱۶ ماه از آغاز مسئولیت او، فاصله میان برنامه‌های اعلام شده و وضعیت موجود اقتصاد، پرسش‌های جدی درباره عملکرد این وزارتخانه ایجاد کرده است؛ از رشد اقتصادی و تأمین مالی تولید گرفته تا اصلاح نظام مالیاتی و استفاده از ظرفیت کشورهای همسور. پرسش اصلی این است که چرا برنامه‌ای که با عنوان «رشد عدالت‌محور» ارائه شد، هنوز نشانه‌های روشنی از تحقق اهداف خود در اقتصاد کشور ندارد؟



هادی مولایی

روزنامه‌نگار

با تمرکز بر دور زدن تحریم‌ها و فعال‌سازی وزارتخانه برای همکاری با وزارت امور خارجه، ساختارهای پایدار همکاری با کشورهای بزرگ همسو، به‌ویژه چین و روسیه، ایجاد شود و از امکانات و زمینه‌های همکاری، مانند سازوکار اقتصادی بریکس، برای تثبیت قدرت و جایگاه اقتصادی کشور در اقتصاد جهانی و بازارهای بزرگ موجود استفاده شود. تلاش برای دلارزدایی از معاملات و تبادلات خارجی، استفاده از ارزهای بومی و بهره‌گیری از ظرفیت شبکه‌های بانکی چین و سازوکارهای مالی آن برای اقتصاد کشور ضروری به نظر می‌رسد.

همچنین، در برنامه ارائه شده تأکید ویژه‌ای بر زیرساخت‌های ترانزیتی و موقعیت ژئوپلیتیکی کشور وجود داشت؛ موضوعی که به‌ویژه با تمرکز بر کربدورهای حمل‌ونقل کالا می‌تواند درآمدهای قابل توجهی برای کشور به ارمغان آورد و با گره‌زدن اقتصاد جهانی به جغرافیای ایران، موقعیت کشور را در معادلات قدرت جهانی تثبیت و تقویت کند. با این حال، در طول یک سال و چهار ماه گذشته شاهد تحول جدی در این زمینه نیز نبوده‌ایم. لازم است وزارتخانه با جدیت بیشتری این مسائل را پیگیری کند تا فرصت‌های موجود بیش از این از دست نرود. باید تأکید کرد که استفاده نکردن به موقع از چنین فرصت‌هایی می‌تواند خسارت‌های جبران‌ناپذیری به دنبال داشته باشد. موضوع دیگری که در برنامه اعلامی تیم آقای وزیر مورد تأکید قرار گرفته بود، رسیدگی به مناطق آزاد و پایانه‌های تجاری کشور بود. با وجود نکات مثبتی که در برنامه در این زمینه مطرح شده بود، در عمل توسعه مناطق آزاد اقتصادی در طول سال گذشته، بیش از آنکه به تولید کمک کند و صادرات محصولات داخلی را تسهیل بخشد، به جولان برندهای خارجی و از دست رفتن منابع ارزی کشور منجر شده است. ضروری است مطابق همان برنامه اعلامی، در اجرای سیاست‌های مناطق آزاد جدیت ویژه‌ای به خرج داده شود تا رویه موجود تغییر کند.

در پایان باید گفت اتفاقات رخ داده و وضعیت کنونی اقتصاد کشور نشان می‌دهد نه تنها وعده‌ها و ادعاهای مطرح شده در سند ارائه شده از سوی آقای وزیر محقق نشده، بلکه در این مسیر حرکت مؤثری نیز صورت نگرفته و برنامه‌های بیان شده عملاً کنار گذاشته شده‌اند. لازم است مجموعه وزارتخانه با اهتمام جدی و بازگشت به مسیری که در برنامه ارائه شده از سوی تیم مدیریتی فعلی ذکر شده بود، برای بهبود اوضاع اقتصادی کشور و افزایش تاب‌آوری اقتصادی مردم و دولت تلاش کند. قطعاً اگر عملکرد وزیر و تیم او در چارچوب همان برنامه و مسیر ترسیم شده قرار می‌گرفت، امروز با این حجم از ناکارآمدی و وضعیت نامطلوب اقتصادی مواجه نبودیم و میزان مشکلات می‌توانست بسیار کمتر باشد.

مدنی‌زاده خود در میانه جنگ رأی

اعتماد گرفت و از وقوع چنین شرایطی چندان بی‌اطلاع نبود. او بارها اعلام کرده بود که برای شرایط جنگی نیز آمادگی خواهد داشت. یکی دیگر از محورهای مورد تأکید، تحقق عدالت اقتصادی در کشور بود. اکنون این پرسش مطرح است که آیا کشور واقعاً در مسیر تحقق عدالت حرکت می‌کند؟ وضعیت موجود چنین چیزی را نشان نمی‌دهد. در حال حاضر، تورم بیش از هر زمان دیگری افسار ضعیف‌تر جامعه را تحت فشار قرار داده است. بررسی آمارها و شاخص‌های اقتصادی نیز نشان می‌دهد تأمین نیازهای مردم، از مسکن تا کالاهای خوراکی و مصرفی، با مشکلات عدیده‌ای روبه‌روست. اکنون این پرسش مطرح است که چرا وزارت اقتصاد از ابزارهای در اختیار خود برای کاهش فشار بر مردم مستضعف استفاده نمی‌کند؟ یکی از مهم‌ترین ابزارهای در اختیار این وزارتخانه، مالیات است. اصلاح نظام مالیاتی کشور، همان‌طور که در برنامه ارائه شده بیان شده بود، می‌تواند بخش قابل توجهی از مشکلات را کاهش دهد. در کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته، مالیات سهم قابل توجهی از بودجه دولت را تأمین می‌کند و اصلاح آن در ایران نیز می‌تواند بودجه دولت را از وابستگی به قیمت و فروش نفت برهاند و به ایجاد ثبات نسبی و پوشش کسری بودجه دولت کمک کند. در شرایط کنونی که کشور با بحران‌های خارجی نیز روبه‌روست و برای مقابله با فشارهای خارجی به افزایش تاب‌آوری نیاز دارد، ضروری است نظام مالیاتی کشور با تمرکز بر اقلشاری که تاکنون بیشترین بهره‌را از شرایط، امنیت و منابع کشور برده‌اند و نیز افرادی که بدون اتکا به تولید، از طریق واسطه‌گری و سوداگری به ثروت رسیده‌اند، به سمت اخذ مالیات گسترده‌تر حرکت کند؛ به گونه‌ای که تا حدی فشار تورم از دوش مستضعفان و عموم مردم برداشته شود. قطعاً اصلاح ساختار اقتصادی کشور و هزینه‌دار کردن واسطه‌گری و سوداگری در حوزه‌های مختلف که در برنامه نیز به این موارد ذکر شده اشاره شده بود، از یک سو می‌تواند به کاهش تورم و از سوی دیگر به هدایت سرمایه مردم به سمت تولید کمک کند.

### برنامه وزارت اقتصاد برای دیپلماسی اقتصادی

یکی از موارد مورد تأکید در برنامه ارائه شده از سوی آقای مدنی‌زاده، اصلاح رویکردهای دیپلماسی اقتصادی با تمرکز بر همکاری با کشورهای بزرگ همسو بود. با این حال، به نظر می‌رسد رویکرد دولت در حوزه سیاست خارجی، علی‌رغم اتفاقات رخ داده از جمله جنگ و محاصره اقتصادی، همچنان بر محور مذاکره با غرب برای رفع تحریم‌ها می‌چرخد. ضرورت دارد

پس از استیضاح و برکناری عبدالناصر همتی از سمت وزارت اقتصاد در اسفندماه ۱۴۰۳، فضای سیاسی کشور در انتظار نامی جدید بود تا برای تحول در تیم اقتصادی دولت و چابک‌سازی آن مطرح شود. به تدریج زمره‌های انتخاب سیدعلی مدنی‌زاده به عنوان گزینه پیشنهادی دولت مطرح شد و او اخراج دیپهشت‌ماه، این خبر به صورت رسمی از سوی دولت مسعود پزشکیان اعلام شد. تصویر اولیه از گزینه پیشنهادی جوان دولت چندان روشن نبود. منتقدان به نبود سابقه اجرایی مدنی‌زاده اشاره می‌کردند؛ انتقادی که تا حدی نیز درست بود. مدنی‌زاده تا پیش از این صرفاً رئیس دانشکده اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف بود و تکیه او بر مسند وزارت اقتصاد با ریسک بالایی همراه بود. نگرانی دیگر دلسوزان، نوع نگاه اقتصادی مدنی‌زاده بود. او مدیر دکتري خود را از دانشگاه شیکاگو در ایالات متحده دریافت کرده بود و این نگرانی وجود داشت که پیرو مکتب اقتصادی شیکاگو باشد و باعث بروز بحران‌هایی در کشور شود. مجموعه این نگرانی‌ها، تردید درباره اعتماد به مدنی‌زاده را جدی کرده بود؛ تا اینکه برنامه‌ای از سوی او و تیمش برای وزارت اقتصاد ارائه شد. عنوان برنامه، «رشد عدالت‌محور» بود. بررسی جزئیات پیشنهادی نیز تا حدودی امیدوارکننده به نظر می‌رسید. مدنی‌زاده بر تعهد به رشد مورد نظر رهبری تأکید کرده و از برقراری فرصت‌های برابر و اجرای عدالت سخن گفته بود. نهایتاً در روزهای سخت جنگ دوازده روزه و در ۲۶ خردادماه، سیدعلی مدنی‌زاده با چفیه‌ای بر دوش توانست رأی اعتماد مجلس را به دست آورد. او حتی اعلام کرد که برای دوران جنگ نیز برنامه دارد و اجازه نمی‌دهد جنگ مانع حرکت دولت شود.

### تحقق رشد ۸ درصدی چه شد؟

یکی از محورهای سخنان و برنامه‌های مدنی‌زاده در زمان انتخاب به عنوان وزیر، تعهد به تحقق رشد مورد نظر رهبر شهید انقلاب اسلامی بود. با این حال، پس از گذشت ۱۶ ماه، نه تنها این رشد محقق نشده، بلکه حتی به نظر نمی‌رسد اقتصاد کشور روی ریل حرکت به سمت تحقق رشد اقتصادی قرار داشته باشد. آمارها از رشد منفی و وضعیت نامطلوب فضای اقتصادی و تولید در کشور حکایت دارند. برخلاف برنامه‌های ارائه شده، به نظر نمی‌رسد شبکه بانکی امروز در مسیر کمک به تأمین مالی تولید حرکت کند و اصلاحی در عملکرد و رویکرد نظام مالی کشور مشاهده نمی‌شود. از سوی دیگر، نمی‌توان برای تشریح این مشکلات صرفاً به شرایط جنگی و محاصره اقتصادی استناد کرد؛ چرا که

### موج خبر

### ۱۷.۵ میلیارد دلار درآمد نفتی وصول شد

فارس نوشت: درآمد نفتی ایران در مهرماه امسال از ۱.۵ میلیارد دلار گذشت تا مجموع درآمد وصول شده نفتی کشور از ابتدای سال به بیش از ۱۷.۵ میلیارد دلار برسد. در شش ماه ابتدایی سال بیش از ۱۶ میلیارد دلار از محل فروش نفت وارد کشور شده بود. این درآمد دست دولت را برای تقویت حمایت‌های معیشتی از جمله افزایش مبلغ کالا برگ بازتر کرد. عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی، با تأکید بر مطلوب بودن وضعیت ذخایر ارزی کشور گفت: این ذخایر حتی تا مدت‌ها پس از پایان دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ نیز پاسخگوی نیازهای ایران خواهد بود.

### بزرگ‌ترین ایرلاین جهان زیان ده شد

بر اساس گزارش رسمی امریکن ایرلاینز، درآمد این شرکت در سه ماهه سوم به ۱۶.۳ میلیارد دلار رسید که رشد هزینه‌های عملیاتی مانع سودآوری شد. مهم‌ترین عامل فشار بر عملکرد مالی شرکت، هزینه سوخت هواپیما بود که به دلیل بسته شدن تنگه هرمز به شدت افزایش یافته است. این هزینه با افزایش ۶۷.۵ درصدی نسبت به سال گذشته، ۱.۹ میلیارد دلار بیشتر شد و مجموع آن به حدود ۴.۶ میلیارد دلار رسید. متوسط قیمت سوخت نیز در این دوره به ۳.۸۵ دلار به‌ازای هر گالن افزایش یافت. امریکن ایرلاینز که صاحب بزرگ‌ترین ناوگان در جهان است پیش‌بینی کرد که متوسط قیمت سوخت در سه ماهه چهارم به حدود ۴.۷ دلار برای هر گالن برسد؛ رقمی که تقریباً دو برابر مدت مشابه سال گذشته است.

### رشد منفی اقتصاد پنج کشور عربی خلیج فارس

صندوق بین‌المللی پول در گزارش چشم‌انداز اقتصاد جهانی اکتبر ۲۰۲۶، پیش‌بینی خود از وضعیت اقتصادی کشورهای خاورمیانه و آسیای مرکزی را به شدت کاهش داده و اعلام کرد: بحرین، کویت، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی در سال ۲۰۲۶ رشد اقتصادی منفی را تجربه خواهند کرد. در میان کشورهای حوزه خلیج فارس، کویت با پیش‌بینی انقباض ۱۶.۷ درصدی، بیشترین افت اقتصادی را تجربه خواهد کرد. پس از آن، قطر با کاهش ۱۵.۶ درصدی و بحرین با افت ۱۱.۳ درصدی تولید ناخالص داخلی قرار دارند. برآورد صندوق نشان می‌دهد که اقتصاد عربستان سعودی نیز در سال ۲۰۲۶ حدود ۳.۳ درصد و اقتصاد امارات متحده عربی حدود ۳.۹ درصد کوچک خواهد شد. عراق نیز از جمله اقتصادهایی است که به شدت از تحولات منطقه آسیب دیده است. صندوق بین‌المللی پول انقباض ۱۶ درصدی اقتصاد این کشور را در سال ۲۰۲۶ پیش‌بینی کرده است.

نوبنیاد بررسی کرد؛

# نفت ۱۲۰ دلاری با «علی‌الاصول»

نفت برنت در معاملات روز جمعه گذشته با قیمت ۱۱۶ دلار و ۷۲ سنت در هر بشکه بسته شد؛ بالاترین قیمت پایانی این شاخص در شش ماه گذشته. هم‌زمان با تشدید تنش‌ها در خاورمیانه، افزایش خطر اختلال در مسیرهای انتقال انرژی، به‌ویژه تنگه هرمز، و جهش هزینه حمل‌ونقل دریایی، موسسات بین‌المللی از تداوم ریسک صعودی بازار نفت خبر می‌دهند.

این تحولات نشان می‌دهد که نه فشارهای اقتصادی آمریکا، نه عرضه محدود نفت از ذخایر راهبردی و نه میانجیگری‌های سیاسی قادر به آرام کردن بازار نفت نبودند. با این حال، نگرانی از اختلال در عرضه نفت، ریسک‌های ژئوپلیتیکی و افزایش تقاضا برای ذخیره‌سازی در آستانه زمستان، از جمله عواملی هستند که در افزایش قیمت نفت مؤثر بوده‌اند.



نیماسهیلی  
روزنامه نگار

قیمت جهانی نفت در روز جمعه گذشته، آخرین روز کاری هفته میلادی، در مسیر ۱۲۰ دلار قرار گرفت و به این محدوده نزدیک شد. هرچند بهای هر بشکه نفت خام تا محدوده ۱۱۸ دلار نیز پیش رفت، اما در نهایت با افزایش ۳.۱۴ درصدی با ۱۱۶ دلار و ۷۲ سنت بسته شد. نفت خام وست‌تگزاس اینترمدیت آمریکا نیز با ۳۰.۸ درصد افزایش به ۱۰۳ دلار و ۲۷ سنت در هر بشکه رسید. برنت در مجموع هفته گذشته حدود ۶ درصد و نفت آمریکا ۲.۳ درصد افزایش قیمت را تجربه کردند. این جهش در شرایطی رقم خورد که بازار جهانی انرژی با مجموعه‌ای از نگرانی‌ها درباره امنیت عرضه نفت از جمله حملات به کشتی‌ها در تنگه هرمز مواجه است. رويترز در گزارشی از تشدید حملات انصارالله یمن به اهدافی در عربستان سعودی، از جمله زیرساخت‌های انرژی، و همچنین گزارش مقام‌های اماراتی درباره نشست نفت در نزدیکی سواحل این کشور خبر داد. افزایش خطر برای زیرساخت‌های انرژی و کشتی‌های تجاری، نگرانی درباره استمرار جریان نفت از منطقه را تقویت کرده است.

## سفر میانجی خنثی شد

برای آمریکا، مسئله تنها افزایش قیمت نفت خام نیست؛ هزینه بالاتر انرژی می‌تواند به افزایش قیمت سوخت، حمل‌ونقل و کالاها منجر شود و فشار تورمی را تشدید کند. در این میان، نخستین ضلع این معادله، نحوه مواجهه سیاسی با سفر میانجی پاکستانی بود. در چنین شرایطی، آزادسازی ذخایر راهبردی یا میانجیگری سیاسی ممکن است اثری کوتاه‌مدت داشته باشد، اما راه حل پایدار به کاهش واقعی تنش‌ها و بازگشت اطمینان به مسیرهای انتقال انرژی وابسته است. با این حال در هفته گذشته، تلاش‌های دیپلماتیک برای جلوگیری از افزایش قیمت نفت بار دیگر مورد توجه قرار گرفت. سفر عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان، به تهران با هدف میانجیگری نیز در همین چارچوب انجام شد؛ با این حال، روند قیمت نفت نشان داد که صرف رفت‌وآمد میانجیگران برای بازگرداندن آرامش به بازار کافی نیست. هر چند مواضع مسعود پزشکیان رئیس‌جمهوری، اظهارات محسن رضایی دبیر شورای عالی

امنیت ملی، و رویکرد دیگر مقامات نشان داد که تعامل دیپلماتیک لزوماً به معنای پذیرش خواسته‌های طرف مقابل نیست و پیام ایران این بود که مسیر دیپلماسی باز است، اما تصمیم‌گیری درباره منافع ملی بر اساس محاسبات و ملاحظات ایران انجام می‌شود. ضلع دیگر معادله، مدیریت فضای رسانه‌ای در روزهای پیش، حین و پس از سفر عاصم منیر بود. انتشار سریع اطلاعات و پاسخ‌گویی به شایعات، با همکاری عناصر مختلف حاکمیت و رسانه‌ها، امکان تداوم برخی روایت‌های غیرمستند را محدود کرد. تحولات میدانی و اقدامات نیروهای مسلح کشورمان نیز ضلع دیگر این معادله بود. نیروهای مسلح با اقتدار، سامانه‌های ناوبری دریایی و نفتکش‌های متخلف را هدف قرار دادند. امنیت تردد دریایی در خلیج فارس و دریای عمان، به دلیل نقش این مسیرها در انتقال انرژی، مستقیماً با محاسبات بازار جهانی نفت ارتباط دارد؛ زیرا هرگونه تشدید تنش یا افزایش نگرانی درباره اختلال در عرضه و حمل‌ونقل نفت می‌تواند انتظارات معامله‌گران را تغییر دهد و بر قیمت‌ها اثر بگذارد؛ در نهایت، قیمت نفت در معاملات روز جمعه گذشته به محدوده ۱۱۷ دلار رسید.

## فشارهای آمریکا اثری نداشت

آمریکا برای وادار کردن ایران به تسلیم و تحمیل خواسته‌های خود، از جنگ نظامی به جنگ اقتصادی روی آورد. واشنگتن انواع تحریم‌ها و فشارها را علیه کشورمان به کار بست تا تاب‌آوری ملی را کاهش دهد و ایران را زیر فشار اقتصادی به پذیرش خواسته‌های خود وادار کند. با این حال، فشار اقتصادی نتوانسته است ایران را به عقب‌نشینی وادار کند. روزنامه واشنگتن پست در مقاله‌ای که ۲۳ اکتبر ۲۰۲۶ منتشر شد، با عنوان «چرا ترامپ در وادار کردن ایران به عقب‌نشینی ناکام است؟»، به این موضوع پرداخت که تهدیدهای نظامی و فشار اقتصادی دولت دونالد ترامپ نتوانسته است ایران را به تسلیم وادار کند. نویسندگان مقاله، استدلال کردند که با وجود تشدید تحریم‌ها و محاصره اقتصادی، ایران همچنان از پذیرش خواسته‌های آمریکا خودداری می‌کند و به دنبال حفظ اهداف راهبردی خود است. این روزنامه به نقش تنگه هرمز در معادلات منطقه‌ای و تلاش ایران برای تقویت

## افزایش شدید هزینه حمل نفت

افزایش بی‌سابقه هزینه حمل‌ونقل دریایی نفت به یکی از عوامل اثرگذار بر قیمت انرژی در بازارهای جهانی تبدیل شده است؛ به‌طوری‌که هزینه انتقال یک محموله ۲ میلیون بشکه‌ای نفت خام از آمریکا به ژاپن با نفتکش‌های غول‌پیکر به حدود ۸۱ میلیون دلار رسیده است. این رقم در مقایسه با هزینه حدود ۹ میلیون دلاری برای همین مسیر در سال گذشته، افزایشی ۹ برابری را نشان می‌دهد. افزایش هزینه حمل نفتکش‌ها، علاوه بر بالا بردن هزینه نهایی تحویل نفت، جریان تجارت جهانی انرژی را نیز تحت تأثیر قرار داده است. با توجه به اینکه یک نفتکش غول‌پیکر می‌تواند حدود ۲ میلیون بشکه نفت حمل کند، هزینه ۸۱ میلیون دلاری انتقال محموله از آمریکا به ژاپن به معنای تحمیل حدود ۴۰.۵ دلار هزینه حمل به ازای هر بشکه نفت است؛ هزینه‌ای که جدا از قیمت خرید نفت خام محاسبه می‌شود و می‌تواند بر صرفه اقتصادی صادرات و واردات نفت تأثیر بگذارد.

## نبض تجارت

## تشدید کمبود گاز مایع در پاکستان پس از بسته‌شدن مرز با ایران

سفر عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان، به تهران در هفته گذشته به عنوان میانجی در شرایطی انجام شد که محدودیت‌های مرزی با ایران، پیامدهای خود را در این کشور نشان می‌دهد. همراهی پاکستان با محدودیت‌های اقتصادی علیه ایران، در عمل به مردم پاکستان آسیب زد؛ به‌طوری‌که توقف مبادلات تجاری در گذرگاه‌های مشترک ایران و پاکستان، اثر خود را به‌طور مستقیم در بازار انرژی این کشور نشان داد. هرچند آخرین خبرها و بررسی‌ها نشان می‌دهد فعالیت تجاری در مرز ریمدان-گبد از سر گرفته شده، اما مبادلات دو کشور هنوز به روال کامل سابق بازنگشته است.

روزنامه وال استریت ژورنال نیز گزارش داد: پاکستان در ادامه تشدید فشارهای اقتصادی آمریکا علیه ایران، عبور کامیون‌ها از خاک ایران را در دو گذرگاه مرزی مهم متوقف کرده است؛ اقدامی که مسیرهای زمینی تجارت ایران را با محدودیت بیشتری مواجه می‌کند.

به نوشته این روزنامه، پاکستان طی روزهای گذشته از عبور کامیون‌ها از گذرگاه‌های مرزی گبد-ریمدان و تفتان جلوگیری کرده است. مقام‌های پاکستانی ملاحظات امنیتی را از دلایل این اقدام عنوان کرده‌اند، اما سخنگوی وزارت امور خارجه پاکستان در پاسخ به پرسشی درباره ارتباط این تصمیم با تحریم‌ها گفت: «اسلام‌آباد به عنوان عضو مسئول از جامعه بین‌المللی، به تمام رژیم‌های تحریمی قابل اجرا مطابق قوانین داخلی و بین‌المللی پایبند است و به این پایبندی ادامه خواهد داد.» این اقدام در شرایطی انجام شده که اسکات بست، وزیر خزانه‌داری آمریکا، پیش‌تر گفته بود واشنگتن برای محدود کردن مسیرهای زمینی تجارت ایران با پاکستان و ترکیه همکاری می‌کند. این روزنامه آمریکایی نوشت: ۷ تا مهرماه امسال، حدود ۱۷ هزار کامیون در مرزهای ایران با ترکیه، افغانستان و جمهوری آذربایجان در انتظار عبور بودند و تأخیرها در برخی مسیرها به حدود ۲۰ روز می‌رسد.

رویتز هم در گزارشی نوشت: بسته‌شدن دو گذرگاه مرزی میان ایران و پاکستان، واردات گاز مایع (LNG) به پاکستان را مختل کرده و به کمبود عرضه و افزایش قیمت‌ها در این کشور انجامیده است. تاجر پاکستانی اعلام کردند بسته‌شدن گذرگاه‌های مرزی گبد-ریمدان و تفتان از ۲۵ مهر ۱۴۰۵، واردات گاز مایع از ایران را متوقف کرده است. این وضعیت در روزهای اخیر به افزایش قیمت این سوخت در بازار پاکستان منجر شده است. دولت ایالت بلوچستان پاکستان هم اعلام کرد که تعطیلی مرزها به‌صورت موقت و با هدف رسیدگی به نگرانی‌های امنیتی و مقابله با قاچاق صورت گرفته است.

براساس اعلام انجمن گاز مایع پاکستان، این کشور روزانه حدود ۷ هزار تن گاز مایع از ایران وارد می‌کند. شمس الحق، رئیس پیشین اتاق بازرگانی و صنایع گوادر، گفت: روزانه بیش از ۴ هزار تن از این محموله‌ها از مسیر گبد-ریمدان وارد پاکستان می‌شود؛ وارداتی که اکنون متوقف شده است. تاجر همچنین اعلام کردند مدتها کامیون، از جمله تانکرهای حمل گاز مایع، در دوسوی مرز متوقف شده‌اند. به گفته شمس الحق، بیش از هزار کانتینر پاکستانی حامل محصولاتی مانند سیب‌زمینی، موز و پرتقال نیز که مقصدشان ایران است، در مرزها گرفتار شده‌اند. با این حال، گذرگاه گبد-ریمدان روز چهارشنبه هفته گذشته برای صادرات کالاهای فسادپذیر پاکستان بازگشایی شد. اختلال در واردات گاز مایع، قیمت این سوخت را به شدت افزایش داده است. تاجر می‌گویند قیمت یک کیسول ۱۲ کیلوگرمی گاز مایع طی چند روز از ۴ هزار و ۵۰۰ روپیه در پاکستان به ۷ هزار روپیه رسیده است. آنان هشدار داده‌اند که در صورت ادامه اختلال در عرضه، قیمت‌ها ممکن است باز هم افزایش یابد. عرفان خوکار، رئیس انجمن گاز مایع پاکستان، نیز نسبت به تشدید کمبود عرضه و افزایش قیمت‌ها هشدار داد و گفت: قیمت یک کیسول ۱۲ کیلوگرمی در بلوچستان حدود ۷ هزار روپیه، در لاهور ۷ هزار و ۵۰۰ روپیه و در اسکاردو ۸ هزار و ۲۰۰ روپیه است. افزایش قیمت گاز مایع بر بهای سایر کالاهای تأثیر گذاشته است.

«نوبنیاد» از تداوم اعتراضات اقتصادی در بیش از ۱۰ کشور غربی گزارش می‌دهد

## آماده‌باش اروپا برای آخر هفته

اروپا برای یکشنبه آماده دور جدیدی از اعتراضات خواهد شد. در هفته‌های اخیر شهرها و خیابان‌های بیش از ۱۰ کشور غربی صحنه اعتراض، آتش‌سوزی، غارت فروشگاه‌ها، درگیری با پلیس و استقرار گسترده نیروهای امنیتی بوده است. از فرانسه‌ای که برای مهار ناآرامی‌ها به استقرار ده‌ها هزار نیروی امنیتی متوسل شده تا ایتالیایی که در میلان شاهد درگیری معترضان با پلیس بود و آلبانی که اعتراضات ضد دولتی در آن به خشونت کشیده شد. افزایش قیمت انرژی و سوخت، بحران مسکن، گرانی مواد غذایی و کاهش قدرت خرید، مردم را به خیابان‌ها کشانده است. این اعتراضات در شرایطی رخ می‌دهد که شماری از دولت‌های اروپایی، هم‌زمان با حمایت سیاسی از واشنگتن و تل‌آویو در تقابل با ایران، هزینه‌های سنگین بحران منطقه‌ای و اختلال در بازار انرژی را به اقتصاد و زندگی شهروندان خود تحمیل کرده‌اند. تناقض آشکار میان همراهی با سیاست‌های جنگ‌طلبانه آمریکا و ناتوانی در پاسخ‌گویی به مطالبات مردم خود.

پایگاه مورون خارج کرد. با این حال، حمایت سیاسی و امنیتی از سیاست‌های واشنگتن، حتی در مواردی که به مشارکت مستقیم در حملات منجر نشود، هزینه‌های خود را دارد. هنگامی که دولت‌های اروپایی در کنار آمریکا و رژیم صهیونیستی قرار می‌گیرند، نمی‌توانند از پیامدهای اقتصادی و امنیتی تشدید تنش در منطقه‌ای که یکی از شریان‌های اصلی انرژی جهان در آن قرار دارد، مصون بمانند.

این همان نقطه‌ای است که سیاست خارجی از پشت درهای بسته اجلاس‌ها بیرون می‌آید و خود را در قیمت بنزین، قبض انرژی، هزینه حمل‌ونقل و قیمت مواد غذایی نشان می‌دهد. شهروند اروپایی ممکن است در تصمیم‌گیری درباره جنگ نقشی نداشته باشد، اما در نهایت باید هزینه پیامدهای آن را بپردازد.

### حمایت از کودتاگران در ایران

رفتار دولت‌های غربی در قبال اغتشاشات ایران نیز یخش دیگری از این تناقض را آشکار می‌کند. در ۱۹ آدی ۱۴۰۴، رهبران فرانسه، آلمان و انگلیس در بیانیه‌ای مشترک، با ابراز نگرانی از گزارش‌های مربوط به خشونت، ایران را به خویشتن‌داری و احترام به حق تجمع مسالمت‌آمیز فراخواندند. انگلیس نیز در ادامه، تحریم‌های تازه‌ای علیه مقام‌های ایرانی اعلام کرد و در مواضع رسمی خود، برخورد حکومت با اغتشاشگران را محکوم کرد.

اکنون دولت‌هایی که در کنار واشنگتن ایستاده‌اند، با یک واقعیت تلخ روبه‌رو هستند. سیاست خارجی را نمی‌توان از زندگی روزمره مردم جدا کرد. وقتی دولت‌ها در تشدید تنش‌های منطقه‌ای نقش سیاسی یا امنیتی ایفا می‌کنند، باید آماده پاسخ‌گویی درباره پیامدهای آن نیز باشند.

این همان تاوان همراهی با سیاست‌های آمریکا است. تاوانی که ممکن است نه در اتاق‌های مذاکره، بلکه در خیابان‌های پاریس، میلان، بروکسل و لیسبون وصول شود. مردمی که برای اجاره خانه، خرید مواد غذایی و تأمین سوخت با مشکل روبه‌رو هستند، از دولت خود پاسخ می‌خواهند و دیگر به‌سادگی نمی‌پذیرند که هزینه تصمیم‌های راهبردی حاکمان را بی‌اعتراض بپردازند.

بحران مسکن راهپیمایی کردند. در اسپانیا، معترضان با برپایی چادر در میدان پوئرتا دل سول مادرید، به هزینه‌های سرسام‌آور اجاره و دشواری دسترسی به مسکن اعتراض کردند. در یونان نیز کارگران پالایشگاه‌ها خواستار تضمین ایمنی محیط کار شدند. اینها دیگر چند تجمع پراکنده و بی‌ارتباط نیستند. وقتی در چند کشور اروپایی، خیابان‌ها به محل تخلیه خشم عمومی تبدیل می‌شوند، باید پرسید چه برسر وعده‌های رفاه، امنیت اقتصادی و ثباتی آمده است که دولت‌های اروپایی سال‌ها آن را دستور نظام سیاسی خود معرفی می‌کردند.

همچنین دولت‌های اروپایی که در مواجهه با اعتراضات کشورهای دیگر، همواره از ضرورت احترام به حقوق شهروندان و شنیدن صدای مردم سخن می‌گویند، اکنون که اعتراض به قلب پایتخت‌های خودشان رسیده، خیابان‌ها را با محدودیت تجمع، منع رفت‌وآمد و آرایش گسترده امنیتی مدیریت می‌کنند.

### دولت‌هایی که در جنگ کنار واشنگتن ایستادند

بخش مهم ماجرا به سیاست خارجی دولت‌های اروپایی بازمی‌گردد. کشورهای اروپایی که طی سال‌های گذشته امنیت خود را به ائتلاف نظامی با آمریکا گره زده‌اند، باید پاسخ دهند که همراهی با سیاست‌های تقابلی واشنگتن در غرب آسیا چه هزینه‌هایی برای شهروندان نشان داشته است.

در جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران که از ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ آغاز شد، دولت‌های اروپایی که با حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی و با در اختیار قرار دادن پایگاه‌ها و فرودگاه‌های خود به آمریکا این کشور جنایتکار را همراهی کردند، اکنون تاوان همان سیاست‌های پیشین را میدهند.

البته اسپانیا مسیر متفاوتی در پیش گرفت. دولت این کشور اجازه استفاده از پایگاه‌های مورون و روتا برای پشتیبانی از عملیات نظامی آمریکا علیه ایران را نداد و با تأکید بر ضرورت کاهش تنش، از مشارکت در پشتیبانی نظامی عملیات خودداری کرد. واشنگتن نیز هواپیماهای سوخت‌رسان خود را از



احسان میربازقاری

روزنامه‌نگار

اروپا این روزها با موجی از نارضایتی اجتماعی روبه‌روست که از یک اعتراض محدود صنفی فراتر رفته و در چند کشور، به بحرانی خیابانی و امنیتی تبدیل شده است. گزارش منتشرشده از نیوزویک، از گسترش اعتراض‌ها در فرانسه، ایتالیا، آلبانی، پرتغال، اسپانیا، بلژیک و یونان حکایت دارد. اعتراض‌هایی که با وجود تفاوت در مطالبات اولیه، در یک نقطه به هم می‌رسند. فشار فزاینده اقتصادی بر زندگی مردم و بی‌اعتمادی به دولت‌ها. در فرانسه، ابعاد ناآرامی‌ها به اندازه‌ای است که دولت این کشور برای شنبه ۲۴ اکتبر از استقرار بیش از ۶۰ هزار نیروی امنیتی خبر داد. رقیمی که در گزارش آسوشیتدپرس تا ۷۰ هزار نفر اعلام شده است. مرخصی نیروهای پلیس لغو شد، کارآموزان دانشکده پلیس برای انجام امور پشتیبانی فراخوانده شدند و در برخی شهرها محدودیت تجمع و منع رفت‌وآمد به اجرا درآمد. این سطح از بسیج امنیتی، تصویر روشنی از دشواری دولت در مهار بحرانی است که ریشه‌های آن را نمی‌توان صرفاً در رفتار گروه‌های خشونت‌طلب خلاصه کرد.

در ایتالیا نیز مرکز میلان شاهد درگیری معترضان با پلیس، آتش‌زدن موانع و غارت فروشگاه‌ها بود. نیروهای امنیتی برای متفرق کردن جمعیت از گاز اشک‌آور و ماشین آب‌پاش استفاده کردند و حدود ۵۰ نفر بازداشت شدند. در آلبانی، اعتراضات ضد دولتی با پرتاب سنگ، مواد آتش‌زا و آتش‌بازی به سوی پلیس همراه شد. پلیس از بازداشت ۱۶۷ نفر و مجروح شدن ۱۳۲ مأمور خبر داد.

در بلژیک، معترضان در بروکسل با پلیس درگیر شدند و نیروهای ضدشورش برای پراکنده کردن جمعیت به گاز اشک‌آور و ماشین آب‌پاش متوسل شدند. در پرتغال، ده‌ها هزار نفر در لیسبون علیه گرانی و



### پایگاه‌های اروپا در خدمت جنگ علیه ایران

بخش مهم ماجرا به سیاست خارجی دولت‌های اروپایی بازمی‌گردد. کشورهای اروپایی که طی سال‌های گذشته امنیت خود را به ائتلاف نظامی با آمریکا گره زده‌اند، باید پاسخ دهند که همراهی با سیاست‌های تقابلی واشنگتن در غرب آسیا چه هزینه‌هایی برای شهروندان نشان داشته است. در جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران که از ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ آغاز شد،

دولت‌های اروپایی که با حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی و با در اختیار قرار دادن پایگاه‌ها و فرودگاه‌های خود به آمریکا این کشور جنایتکار را همراهی کردند، اکنون تاوان همان سیاست‌های پیشین را میدهند.

### یادداشت

## انتخابات هم‌گرهی از بحران گرانی آمریکا باز نمی‌کند

محسن پوردادفر  
روزنامه‌نگار

در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا در سوم نوامبر، بحران افزایش هزینه‌های زندگی به یکی از مهم‌ترین چالش‌های داخلی این کشور تبدیل شده است. بحرانی که نه وعده‌های اقتصادی دونالد ترامپ توانسته آن را مهار کند و نه پیروزی احتمالی دموکرات‌ها در انتخابات، چشم‌انداز روشنی برای پایان آن ترسیم می‌کند. روزنامه واشنگتن پست در گزارشی ضمن بررسی وضعیت اقتصادی آمریکا، تأکید کرده است که حتی تغییر ترکیب کنگره نیز نمی‌تواند قیمت‌های سرسام‌آور را به سطح گذشته بازگرداند. آمارهای رسمی ابعاد این بحران را آشکار می‌کند. براساس گزارش اداره آمار کار آمریکا، نرخ تورم سالانه در سپتامبر ۲۰۲۶ به ۳/۷ درصد رسید. شاخص قیمت مصرف‌کننده در همین ماه ۰/۶ درصد افزایش یافت و قیمت بنزین به‌تنهایی ۹/۱ درصد رشد کرد. واشنگتن پست نیز گزارش داده است که قیمت کالاها و خدمات مصرفی از آغاز همه‌گیری کرونا تاکنون حدود ۳۰ درصد افزایش یافته. افزایشی که فشار آن همچنان بر بودجه خانوارهای آمریکایی سنگینی می‌کند.

بخش مهمی از مشکلات اقتصادی کنونی آمریکا به پیامدهای جنگ این کشور با ایران بازمی‌گردد. اختلال در انتقال نفت خاورمیانه و افزایش قیمت جهانی انرژی، هزینه سوخت، حمل‌ونقل و تولید را افزایش داده است. طبق گزارش آسوشیتدپرس، میانگین قیمت بنزین در آمریکا به ۴/۳۳ دلار برای هر گالون رسیده که ۴۵ درصد بیشتر از پیش از جنگ است. قیمت گازوئیل نیز با افزایش ۶۸ درصدی به ۶/۳۳ دلار رسیده است. افزایش هزینه سوخت به بخش حمل‌ونقل هوایی نیز سرایت کرده و قیمت بلیت هواپیما در مقایسه با سال گذشته حدود ۲۲ درصد افزایش یافته است.

مارک زندگی، اقتصاددان ارشد مؤسسه مودی‌ز آنالیتیکس، برآورد کرده است که جنگ با ایران از مسیر افزایش هزینه انرژی، نرخ بهره و مخارج نظامی، معادل نزدیک به دو هزار دلار به هر خانوار آمریکایی تحمیل کرده است.

با این حال، جنگ تنها عامل بحران نیست. سیاست‌های تعرفه‌ای ترامپ نیز فشار مضاعفی بر مصرف‌کنندگان وارد کرده است. واشنگتن پست به نقل از پژوهش اقتصاددانان بانک فدرال رزرو نیویورک گزارش داده که تعرفه‌ها در اوج تأثیر خود در فوریه، ۲/۹ واحد درصد به تورم کالاها افزوده‌اند. هم‌زمان، توسعه زیرساخت‌های هوش مصنوعی و مراکز داده با افزایش تقاضا برای برق و تجهیزات، فشار تازه‌ای بر قیمت‌ها وارد کرده است.

پیامد سیاسی این شرایط در نظرسنجی‌ها نمایان شده است. براساس نظرسنجی مشترک آسوشیتدپرس و مؤسسه [Pew Research Center]، تنها ۱۷ درصد بزرگسالان آمریکایی عملکرد ترامپ در مدیریت هزینه‌های زندگی را تأیید می‌کنند و ۶۵ درصد، سیاست‌های او را بیش از عوامل خارج از کنترلش مسئول تداوم گرانی می‌دانند.

در چنین وضعیتی، دموکرات‌ها وعده کاهش هزینه‌های زندگی و لغو تعرفه‌ها را مطرح کرده‌اند اما اختیارات تجاری رئیس‌جمهور، احتمال مخالفت ترامپ با مصوبات کنگره و پیچیدگی پایان جنگ، تحقق سریع این وعده‌ها را دشوار می‌کند. حتی کاهش نرخ تورم نیز به معنای بازگشت قیمت‌ها به گذشته نیست بلکه صرفاً از سرعت افزایش آن‌ها می‌کاهد.

به این ترتیب، جامعه آمریکا با تناقضی آشکار مواجه است. سیاست خارجی و تصمیمات تجاری واشنگتن از عوامل فشار بر معیشت شهروندان شده‌اند، اما تغییر احتمالی اکثریت کنگره نیز تضمینی برای اصلاح فوری این وضعیت نیست. انتخابات پیش‌رو ممکن است موازنه سیاسی واشنگتن را تغییر دهد، ولی صورت حساب جنگ، تعرفه‌ها و گرانی همچنان بردوش خانوارهای آمریکایی باقی خواهد ماند.

## یادداشت

ناکارآمدی فناوری غربی  
در برابر ژئوپلیتیک ایرانیپدرام حسینی  
روزنامه‌نگار

پاره‌شدن افسار قیمت نفت رانمی‌توان صرفاً با نمودارهای عرضه و تقاضا توضیح داد. همزمانی سفر عاصم منیر به تهران با پاسخ مقتدرانه سیاسی ایران، مدیریت سریع شایعات و اقدامات نیروهای مسلح در منطقه، در کنار افزایش ریسک عرضه و تقاضای فصلی، مجموعه‌ای از عوامل را کنار هم قرار داد که نفت را به رکورد تاریخی رساند. برنت برای ساعتی از ۱۱۷ دلار عبور کرد و پس از آن نیز به زیر ۱۱۶ دلار بازنگشت؛ عددی که بیش از هر چیز، قیمت‌گذاری بازار بر «قدرت» است.

مواضع رئیس‌جمهور، اظهارات محسن رضایی و رویکرد دیگر چهره‌های حاکمیت نشان داد میانجیگری و بازگذاشتن مسیر دیپلماسی الزاماً مترادف عقب‌نشینی نیست. پیام تهران روشن بود: دیپلماسی باز است، اما منافع ملی ایران در تهران محاسبه می‌شود، نه در واشنگتن یا پایتخت یک میانجی. در همین حین، انتشار سریع اطلاعات و پاسخ به شایعات پیش، حین و پس از سفر عاصم منیر، امکان جولان روایت‌های غیرمستند را محدود کرد. در جنگی که شایعه گاه پیش از موشک شلیک می‌شود، سرعت در مدیریت روایت، بخشی از قدرت ملی است. بخش سوم شکست خوردن روش پیشین برای کنترل نفت، همان جایی است که بازار نفت با حساسیت بیشتری آن را دنبال می‌کند: میدان. اقدامات نیروهای مسلح ایران علیه سامانه‌های ناوبری دریایی و نفتکش‌های متخلف، دوباره امنیت کشتیرانی در خلیج فارس و دریای عمان را در مرکز محاسبات جهانی قرار داد. نگرانی از اختلال عرضه، افزایش ریسک ژئوپلیتیک و رشد تقاضای ذخیره‌سازی در آستانه زمستان، مکمل همین معادله شد.

اهمیت ماجرا آنجاست که صدای اعتراف از خود غرب شنیده می‌شود. «کری بیتسوف»، مقام سابق وزارت خزانه‌داری آمریکا، اذعان کرده است ایران با تحریم تسلیم نمی‌شود؛ محاصره دریایی، ارتش آمریکا را فرسوده کرده و پهپادهای ارزان ایران، تسلیحات گران‌قیمت واشنگتن را به چالش کشیده‌اند. واشنگتن پست نیز به قلم دو کارشناس خود نوشته است جمهوری اسلامی مقابل فشارها سرخم نمی‌کند و به دنبال نظامی تازه در منطقه است؛ نظامی که در آن از کشتی‌های عبوری از هرمز عوارض دریافت شود و پیوندهای امنیتی آمریکا با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس تضعیف شود. داریو فابری، تحلیلگر ارشد ژئوپلیتیک ایتالیایی، تصویر را صریح‌تر ترسیم می‌کند: غرب با ابرپیشرفته‌ترین فناوری‌های خود، کنترل حیاتی‌ترین گلوگاه کره زمین را به ایران واگذار کرده و شکست در کنترل دریاها می‌تواند نشانه پایان عصر جهانی سازی به سبک آمریکایی باشد. هشدار فابری حتی مهم‌تر است: اگر دشمن خود، خواسته‌هایش، شیوه اندیشیدن و رسوب تاریخی و تمدنی او را نشناسی، شکست می‌خوری؛ هر قدر هم با هوش مصنوعی سرگرم باشی. به تعبیر او، ایرانی‌ها ۲۲ سده است «اندیشه و آگاهی امپراتوریک» دارند و غرب آنها را با مردمی درمانده اشتباه گرفته است.

نفت ۱۱۶ دلاری اکنون صورت حساب همین خطای محاسباتی است؛ هرمز فقط یک تنگه نیست، نقطه‌ای است که در آن وزن واقعی قدرت‌ها قیمت‌گذاری می‌شود.

آلمان، فرانسه و انگلیس خواهان بازگشت به مذاکره هسته‌ای با ایران شدند

## تروئیکای اخراجی اروپا؛ پشت درهای تهران

که پس از فعال‌سازی مکانیسم ماشه، بیش از آنکه نشانه یک ابتکار دیپلماتیک باشد، تلاش تروئیکای اخراجی برای بازگشت به میز است که خود اروپایی‌ها آن را واژگون کردند.

یوهان وادفول، وزیر خارجه آلمان از آمادگی برلین، پاریس و لندن برای آغاز مذاکرات هسته‌ای با ایران با هدف آنچه «کاهش تنش‌ها و پایان دادن به درگیری‌ها در خاورمیانه» خوانده، خبر داده است؛ پیشنهادی



محسن فرهمند  
روزنامه‌نگار

میخ را بر تابوت برجام کوبید. ایران نیز اعلام کرد چنین اقدامی به معنای کنار رفتن ابدی اروپا از مذاکرات هسته‌ای است. سه کشور اروپایی سال گذشته با همین تصمیم برای همیشه از سیاست خارجی ایران اخراج شدند؛ برگشتی در کار نیست.

در همین راستا عراقچی در آذرماه ۱۴۰۴ تأکید کرد: «تروئیکای اروپایی با فعال‌سازی غیرقانونی مکانیسم ماشه، عملاً آخرین ابزار و ظرفیت مذاکراتی خود را از دست داده‌اند؛ بنابراین ایران دلیلی برای جلوگیری مجدد با این سه کشور نمی‌بیند.» وی بعد‌تر در یک گفت‌وگو در مرداد ۱۴۰۵ اظهار داشت: «زمانی که اروپایی‌ها مکانیزم اسنپ‌ک را اجرا کردند، همان موقع به اروپایی‌ها گفتم که با اجرای اسنپ‌ک هیچ نقشی در مذاکرات هسته‌ای آینده نخواهید داشت؛ چرا که یک ابزار داشتید و از آن استفاده کردید.» و افزود که کاملاً آن‌ها را از مذاکرات حذف کرده‌اند و حتی وقتی مذاکرات با آمریکا شروع شد، پیام‌های اروپایی‌ها را برای ورود نپذیرفتند.

اما ماجرا از این هم قابل تأمل‌تر است. گویی تروئیکای اروپایی پس از آنکه خود در مذاکره را بست، اکنون پشت همان در ایستاده و انتظار دارد تهران کلید را نیز تقدیم کند. اروپایی‌ها که در بزنگاه‌های تعیین‌کننده، نقش واسطه و دلال مطالبات واشنگتن را بر عهده گرفت، اکنون خود را در جایگاه «طرف مذاکره» تصور می‌کنند؛ این همان حکایت قدیمی است که کسی را به درون خانه راه نمی‌دهند، اما او به جای بازگشت، سراغ صاحب‌خانه رامی‌گیرد و مدعی سهم در تصمیم‌گیری می‌شود.

وزیر خارجه آلمان نیز تنها یک هفته پیش اتهاماتی علیه ایران مطرح کرد و اکنون، پس از آنکه پاسخ مورد انتظارش را از تهران دریافت نکرد، ناگهان ادبیات «گفت‌وگو» و «کاهش تنش» را برگزیده است. این تغییر لحن بیش از آنکه نشانه تغییر رفتار باشد، نشانه تغییر محاسبه است. آلمان و دیگر اعضای تروئیکا باید بدانند سیاست خارجی ایران محل آزمون و خطای بازیگران درجه دومی نیست که یک روز با ادبیات تهدید سخن بگویند و روز دیگر با پرچم صلح پشت در تهران ظاهر شوند.

## امید به برجامی‌ها و وفاقی‌ها

زمان اعلام این پیشنهاد نیز معنادار است. اروپایی‌ها در سایه نفت ۱۱۷ دلاری، افزایش هزینه انرژی و نگرانی از گسترش بحران منطقه‌ای، دوباره به یاد «کاهش تنش» افتاده‌اند. در تهران نیز تروئیکا روی یک متغیر داخلی حساب باز کرده است: اشتیاق طیف دیپلمات‌های برجامی و امروز وفاقی به باز نگه داشتن هردی که نام «مذاکره» روی آن نوشته شده باشد. اروپایی‌ها امیدوارند همین شیف‌نگی، هزینه کارنامه گذشته آنها را پاک کند و اجازه دهد دوباره نه به عنوان متهم بدعهدی، بلکه در جایگاه مطالبه‌گر وارد «مذاکره‌بازی» شوند.

اما معادله سال امروز با سال ۲۰۰۳ یا حتی ۲۰۱۵ تفاوت بنیادی دارد. آمریکا در سال ۱۴۰۴ پس از ۲۳ سال خویشتنداری اخلاق‌مدارانه ایران از ساخت سلاح هسته‌ای و موشک قاره‌پیما، همراه اسرائیل به ایران حمله کرد و اروپا نیز به شکل پنهان از این حمله حمایت کرد. پس از آن نیز تحولات خلیج فارس و تنگه هرمز و درماندگی ترامپ در این صحنه، نشان داد منازعه تهران و واشنگتن دیگر پرونده‌ای نیست که سه وزیراروپایی بتوانند با چند نشست و بیانیه برای آن تعیین تکلیف کنند. سطح این منازعه اکنون بسیار بالاتر از حکام دوررو بی‌خاصیت اروپایی در نظم بین‌المللی است.

از همین رو مسئله فقط «اعتماد نداشتن» به اروپا نیست؛ مسئله فقدان کارکرد اروپاست. مذاکره زمانی معنا دارد که طرف مقابل چیزی برای معامله داشته باشد. تروئیکا یک بار ثابت کرده نه قادر به مهار آمریکا است، نه توان تقصیم منافع اقتصادی ایران را دارد و نه حتی در بزنگاه حاضر است هزینه استقلال از واشنگتن را بپردازد. بازگرداندن چنین بازیگری به میز هسته‌ای، آن هم پس از مکانیسم ماشه، یعنی بخشیدن رایگان جایگاهی که خود اروپا آن را نابود کرده است. اروپا ۲۳ سال فرصت داشت ثابت کند شریک قابل‌اتکایی برای دیپلماسی است؛ فرصت خود را اسوزاند. امروز پاسخ به تروئیکای اخراجی نه باز کردن دوباره در مذاکره، بلکه یادآوری همان حکم سیاسی پس از مکانیسم ماشه است: برگشتی در کار نیست.

یوهان وادفول، وزیر خارجه آلمان پس از نشست هشت کشور اروپایی و منطقه‌ای در استانبول که روز جمعه اول آبان برگزار شد، از آمادگی برلین، پاریس و لندن برای آغاز مذاکرات با ایران درباره برنامه هسته‌ای این کشور با هدف کاهش تنش‌ها خبر داده است! وادفول در این زمینه اظهار داشت: آلمان همراه با فرانسه و بریتانیا آمادۀ مذاکره با جمهوری اسلامی برای جلوگیری از دستیابی این کشور به سلاح هسته‌ای است. وادفول در ادامه با وقاحت تمام اظهار داشت که تهران باید برای دستیابی به راه حلی دیپلماتیک و پایدار آمادگی جدی نشان دهد.

اظهارات تازه یوهان وادفول را نمی‌توان جدا از کارنامه ۲۳ ساله مذاکرات هسته‌ای ایران و اروپا خواند. ماجرا از سال ۲۰۰۳ و مذاکرات ایران با سه کشور انگلیس، فرانسه و آلمان آغاز شد؛ مسیری که از توافق سعدآباد و تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای گذشت، به مذاکرات طولانی منتهی به برجام رسید و نهایتاً با خروج آمریکا از توافق و ناتوانی اروپا در اجرای تعهدات اقتصادی خود، به بن‌بست رسید و در آخرین اقدام با فعال‌سازی وقیحانه مکانیسم ماشه توسط اروپایی‌ها پایان یافت. حالا همان سه کشور دوباره از «مذاکره» سخن می‌گویند؛ گویی قرار است حافظه تاریخی تهران پاک شود.

ایران تحت ریاست جمهوری حسن روحانی حتی پس از خروج آمریکا از برجام نیز کانال گفت‌وگو با اروپا را نبست. ترامپ ۸ مه ۲۰۱۸ از برجام خارج شد، اما تهران یک سال برای اجرای تعهدات طرف‌های باقی‌مانده فرصت داد. اروپایی‌ها در این مدت وعده حفظ روابط اقتصادی و ایجاد سازوکارهای مستقل از تحریم‌های آمریکا را مطرح کردند. «اینستکس» نماد همین وعده‌ها بود؛ سازوکاری که با تبلیغات فراوان معرفی شد اما بدون هیچ دستاوردی برای ایران به زباله دان تاریخ پیوست.

با وجود این سابقه، تهران بازهم برای سال‌ها مسیر دیپلماسی را نبست. پاسخ نهایی تروئیکا اما فعال‌سازی مکانیسم ماشه بود؛ اقدامی که عملاً آخرین

چرا جشنواره فیلم مقاومت اهمیت دارد؟

## ۲۴ فریم دفاع مقدس

نوزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت، از هفتم تا چهاردهم آبان ۱۴۰۵ در پردیس سینمایی ملت برگزار می‌شود. اهمیت این رویداد در شرابطی دوچندان می‌شود که کشورمان پس از سال‌ها غفلت از حوزه فرهنگ و هنر، اکنون با پدیده خطرناک گسست فرهنگی میان‌نسلی و بمباران اطلاعاتی غرب روبروست. در عصری که تهاجم رسانه‌ای نظام سلطه، هویت نسل جدید را نشانه رفته است، این جشنواره فراتر از یک رویداد سینمایی، به آئینه‌ای تمام‌نما برای بازتاب

فضیلت‌ها و پلی برای انتقال ارزش‌های نسل‌های پیشین به جوانان تبدیل شده است. چرا باید به این جشنواره اهمیت داد؟ زیرا در فقدان برنامه‌های هدفمند فرهنگی در دهه‌های گذشته، سینمای مقاومت به چراغ راهی برای احیای فرهنگ شهادت و مقابله با بی‌ریشه‌سازی جوانان در برابر حمله‌های مدرن تکنولوژیک و رسانه‌ای بدل گشته است. این رویداد سینمایی در تهران، دوباره میزبان آثاری هویت‌بخش و بیدارگر نسل‌های آینده است.



مسعود حنیفی  
روزنامه‌نگار

متأسفانه در طول ادوار دولت‌های پس از هشت سال دفاع مقدس، غفلتی بزرگ در کشور به وقوع پیوست؛ بی‌توجهی به حوزه فرهنگ و هنر و عدم ارائه تبیینی درست از این ظرفیت عظیم. جولان دولت سازندگی در زمینه توسعه اقتصادی و عمران، در کنار تأکید بر آزادی‌های مدنی فاقد ظرفیت‌های اجتماعی لازم، موجب لاپابالی‌گری، اباحه‌گری و تزلزل مبانی اخلاقی جامعه شد. آشفتگی، شعاعزدگی و وادادگی در دولت‌های بعدی نیز باعث گردید تا در هیچ دوره‌ای شاهد برنامه‌های هدفمند و بلندمدت فرهنگی نباشیم. این در حالی بود که غرب و نظام سلطه، پس از شکست‌های متوالی در عرصه‌های نظامی و سیاسی، با سرمایه‌گذاری گسترده وارد کارزار فرهنگی و سینما شدند.

اکنون به نقطه‌ای رسیده‌ایم که رهبری انقلاب فراتر از نگرانی، نسبت به این حوزه هشدار می‌دهند؛ هشداری که حاصل انحراف از رهنمودها در دولت‌های مختلف است. در این مسیر پرتلاطم، استراتژی جریان سینمای مقاومت اگرچه فاقد پشتوانه‌های مالی محکم بود، اما توانست خطوط واقعی گفتمان انقلاب اسلامی را ره‌گیری نماید. یکی از پدیده‌های خطرناک و فاجعه‌آمیز ناشی از این غفلت‌ها، گسستگی و انقطاع فرهنگی میان‌نسلی است. امروز با جوان‌گرایی شتابناکی روبروئیم که در تقابل با آن، موج فزاینده بمباران‌های خبری و اطلاعاتی در عصر تکنولوژی‌های مدرن، جوانان و نوجوانان را بی‌ریشه می‌سازد.

در چنین شرایطی، تقویت پیوندهای بین‌نسل‌ها و انتقال ارزش‌ها به نسل‌های جدید، نیازی اجتناب‌ناپذیر است. اهمیت نوزدهمین جشنواره فیلم مقاومت در پردیس ملت، دقیقاً در پاسخ به همین نیاز حیاتی نهفته است. این رویداد می‌تواند آئینه‌ای تمام‌نما از ارزش‌ها و فضیلت‌های نسل‌های

پیشین باشد؛ هم احیاگر نوستالژی عصر تیلور اخلاقیات و فرهنگ شهادت، و هم چراغ راهی روشن برای هدایت آیندگان در مسیر پرخطر امروز. نظام سلطه که از شکست‌های نظامی در منطقه به ستوه آمده بود، تمام تمرکز خود را بر تسخیر ذهن‌ها و قلب‌ها معطوف کرد. به همین دلیل هم بود که رهبر شهید انقلاب سال‌ها پرچم جهاد تبیین را برافراشته کردند و نسبت به شبیخون فرهنگی هشدار می‌دادند. متأسفانه برخی مدیران کشور، این دغدغه‌ی رهبری را نادیده گرفتند و میدان را به دشمن واگذار کردند. اما در این میان، سینماگران جبهه فرهنگی مقاومت، با دست خالی اما دلی پراز ایمان، به تولید آثاری پرداختند که همچون سدی در برابر این هجوم ایستادگی کرد.

نوزدهمین دوره این جشنواره، فرصتی بی‌نظیر است تا این گسستگی عمیق و خطرناک ترمیم شود. وقتی نسل جوان در فضای پردیس ملت با آثاری مواجه می‌شود که ریشه در خون و خاک این مرز و بوم دارند، به تدریج از انزوای سردرگمی ناشی از فضای مجازی بی‌در و پیکر خارج می‌شود. جشنواره مقاومت، نوستالژی شیرین ایثار و از خودگذشتگی را برای پدران و مادران زنده می‌کند و هم‌زمان، الگوهای واقعی قهرمانی را به فرزندان‌شان معرفی می‌نماید. این تعامل و گفت‌وگوی بین‌نسلی، دقیقاً همان حلقه‌ی مفقوده‌ای است که نظام تربیتی کشور به آن نیاز مبرم دارد.

در چنین بستری، سینما دیگر تنها یک ابزار سرگرمی نیست، بلکه به مدرسه‌ای تبدیل می‌شود که درس‌های مقاومت، بصیرت و هویت‌بخشی را به زبان هنر تدریس می‌کند. در نهایت، این گردهمایی در آبان ۱۴۰۵ پیامی روشن و کوبنده دارد: چراغ فرهنگ و مقاومت، با وجود تمام طوفان‌های وادادگی و بی‌توجهی‌های مدیریتی، همچنان فروزان است و مسیر نسل‌های جدید را به سوی قله‌های اخلاقی و انسانی روشن می‌سازد.

با قدردانی از عوامل تولید و خانواده شهید محمدمهدی جنگی، به دشواری‌های ساخت این اثر در روزهای جنگ اشاره کرد. او خطر حملات موشکی، دشواری سفر به جنوب کشور و مخالفت‌ها با این سفر را از جمله موانع پیش‌روی گروه سازنده برشمرد و بر ضرورت ایستادگی در برابر استکبار و جنگ‌افروزی تأکید کرد. این مستندساز همچنین از همراهی مردم میناب و حمایت پدر و مادر شهید جنگی در روند تولید فیلم قدردانی کرد و دریافت این جایزه را فرصتی برای تأکید بر شجاعت و مسئولیت‌پذیری در مسیر هرن دانست. مستند «انتظار بیست‌وپنج‌ساله» روایت زندگی پدر و مادری است که پس از ۲۵ سال صاحب فرزند شدند؛ اما محمدمهدی جنگی، تنها فرزند این خانواده، در حمله به مدرسه شجره طیبه به شهادت رسید. این اثر تلاش دارد بخشی از رنج و فقدان خانواده‌های داغدار را در قالب مستند به تصویر بکشد.



مطهره عدالتخواه، نویسنده و کارگردان مستند کوتاه «انتظار بیست‌وپنج‌ساله»، پس از دریافت دیپلم افتخار بهترین مستند از چهل‌وسومین جشنواره فیلم کوتاه تهران، جایزه خود را به رهبر شهید تقدیم کرد.

عدالتخواه در یادداشتی در صفحه شخصی خود در اینستاگرام،

### یادداشت

## از مه ۱۹۶۸ تا اکتبر ۲۰۲۶

سعید مصباح  
روزنامه‌نگار

هنر فرانسه روزگاری می‌توانست در برابر قدرت و نظام سلطه ایستادگی کند؛ چنان‌که در مه ۱۹۶۸، ژان لوک گدار و فرانسوا تروفو حاضر نشدند جشنواره کن به روال عادی ادامه پیدا کند، درحالی‌که دانشجویان و کارگران در خیابان‌ها با مناسبات حاکم بر جامعه درگیر بودند. جشنواره تعطیل شد تا سیما نتواند خود را از واقعیت جامعه جدا کند. آن روز، سینماگران فرانسوی دست‌کم در مقام ادعا، حاضر بودند اعتبار و آسایش خود را به پای اعتراض اجتماعی بگذارند.

حالا اما با نسل دیگری از هنرمندان مواجهیم؛ چهره‌هایی که برای اعتراضات ایران بی‌انیه می‌دهند، مقابل دوربین موضع می‌گیرند و با ژست‌های نمادین، خود را در صف آزادی‌خواهان جهان قرار می‌دهند. بریدن موهای ژولیت بینوش و دیگر چهره‌های مشهور فرانسوی در حمایت از معترضان ایرانی، نمونه‌ای از همین کنشگری پرسروصدا بود. اما پرسش اینجاست: این حساسیت سیاسی وقتی به مرزهای فرانسه می‌رسد، کجا می‌رود؟

وقتی جامعه خودشان با فشارهای اقتصادی، نابرابری، بحران خدمات عمومی و پیامدهای سیاست‌های دولت دست‌وپنجه نرم می‌کند، چرا آن شور انقلابی کمتر دیده می‌شود؟ چرا تعطیل کردن جشنواره کن برای همبستگی با کارگران، به خاطره‌ای تاریخی تبدیل شده، اما موضع‌گیری درباره کشورهای مخالف نظم غربی همچنان بخشی از نمایش اخلاقی سلبریتی‌هاست؟ مسئله انکار حمایت برخی هنرمندان فرانسوی از معترضان داخلی نیست؛ مسئله تناسب و جهت‌گیری این حساسیت است. هنرمندی که برای ایران، با فاصله‌ای امن از میدان منازعه، نقش قهرمان آزادی را بازی می‌کند، اما درباره رنج هم‌وطنانش سکوت می‌کند به ما یادآوری می‌کند که هنر جهان غرب، مدت زمان زیادی ست که دیگر آن وجهه سابق را ندارد.

کنشگری هنرمند غربی در رابطه با ایران حتی اگر از نیت خیرخواهانه و ناآگاهی آغاز شده باشد، می‌تواند ناخواسته در خدمت نظام سلطه قرار بگیرد؛ نظمی که از صدای هنرمند برای فشار اخلاقی و سیاسی بر کشورهای ناسازگار با خود استقبال می‌کند، اما ترجیح می‌دهد اعتراض به پیامدهای سیاست‌های داخلی خودش، به چند خبر کوتاه و چند تجمع پراکنده محدود بماند. هنرمند لازم نیست مأمور سیاسی کسی باشد تا به ابزاری در دست قدرت تبدیل شود؛ گاهی کافی است فقط در جهتی اعتراض کند که قدرت از آن استقبال می‌کند.

گدار در ۱۹۶۸ می‌خواست سینما را از خواب غفلت بیدار کند. امروز اما بخشی از هنر فرانسه چنان در نقش داور اخلاقی جهان فرو رفته که فراموش کرده است جامعه خودش نیز موضوع داوری است. آزادی خواهی با مرز جغرافیایی معنا پیدا نمی‌کند؛ اگر هنرمند فقط علیه قدرت دیگری فریاد بزند و در برابر قدرت خودی محتاط بماند، بیش از آنکه صدای فرودستان باشد، بلندگوی ناخواسته نظم سلط است.

## تقدیم جایزه بهترین مستند جشنواره فیلم کوتاه تهران به رهبر شهید